



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعمام و احوال/طبقه سوم

بِحثمان درباره طبقه سوم ارث یعنی اعمام و احوال بود، طبقه سوم با طبقه اول و دوم تفاوتی دارد من جمله اینکه برای ارث طبقه سوم در قران کریم چیزی ذکر نشده لذا تمام اینها بالقرابة ارث می برند نه بالفرض، البته آیه شریفه: " اولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتاب الله " در دو جای قران کریم یعنی سوره انفال و سوره احزاب ذکر شده که بر اساس تفسیر اهل بیت علیهم السلام شامل اعمام و احوال می شوند و اما از نظر تعداد نیز طبقه سوم نسبت به طبقات اول و دوم بیشتر هستند و دیروز عرض کردیم که طبقه سوم یعنی اعمام و احوال در واقع اولادِ جد هستند و اولادِ جد یا ولد ابوی هستند یا ولد ابی و یا ولد اُمی، پس ۱۲ صورت بوجود می آید، شش صورت از طرف پدر متصور می شوند که همان اعمام هستند و شش صورت نیز از طرف مادر متصور می شوند که همان احوال هستند:

- ۱- عم ابوی، ۲- عم ابی، ۳- عم اُمی
 - ۴- عمه ابوی، ۵- عمه ابی، ۶- عمه اُمی
 - ۷- دایی ابوی، ۸- دایی ابی، ۹- دایی اُمی
 - ۱۰- خاله ابوی، ۱۱- خاله ابی، ۱۲- خاله اُمی،
- در تمام این صور قاعده "الأقرب یمنع الأبعد" جاری می باشد و ما باید ارث تمام اینها را بدانیم و محاسبه کنیم.

عرض کردیم که صاحب وسائل در صفحه ۵۰۳ از جلد ۱۷ و مسائل ۲۰ جلدی ابوابی را تحت عنوان "ابواب میراث اعمام و احوال" منعقد کرده که دیروز اخبار باب اول و مقداری از اخبار باب دوم را خواندیم.

نکته: در سند خبر دوم از باب دوم از ابواب میراث اعمام و احوال که دیروز خواندیم شخصی بود بنام **ابی مریم**، برای شناختن اشخاص باید به آخر کتب رجالی مراجعه کنیم و در این رابطه در آخر جامع الرواة بابی منعقد شده و اسم تمام اشخاصی که به اب و این معروف هستند ذکر شده و در معجم رجال حدیث آقای خوئی نیز به همین صورت نام اشخاصی که به اب و این معروف هستند ذکر شده، بعد از پیدا کردن اسم به کتب رجالی مراجعه می کنیم و وثاقتش را بررسی می کنیم، حالا آیت الله خوئی در صفحه ۴۹ از جلد ۲۲ معجم رجال حدیث در مورد **ابی مریم** می فرماید که **اسمش عبد الغفار بن قاسم** است و بعد ایشان به صفحه ۵۵ از جلد ۱۰ معجم رجال حدیث حواله داده و وقتی مراجعه کردیم دیدیم که ایشان فرموده **ابی مریم عبدالغفار بن قاسم** ثقه است و به نجاشی و غیره در مورد وثاقتش استناد کرده.

در باب دوم از ابواب میراث اعمام و احوال ۹ خبر وجود دارد که خلاصه این اخبار به این ترتیب است:

خبر اول باب: "رجل مات وترك عمه و خاله فقال: **للعمة الثلثان، وللخال الثلث**" (زیرا عم از طرف پدر و خال از طرف مادر با میت مربوط است).

خبر دوم باب: "فی عمه وخاله قال: **الثلث والثلثان یعنی للعمة الثلثان، وللخاله الثلث**".

خبر سوم باب: "في رجل ترك عمته وخالته قال: للعممة الثلثان، وللخاله الثلث".

خبر چهارم باب: "عن الرجل يموت ويترك خاله وخالته وعمه وعمته وابنه وابنته وأخاه وأخته قال: كل هؤلاء يرثون ويحوزون، فإذا اجتمعت العممة والخاله، فللعممة الثلثان، وللخاله الثلث".

خبر پنجم باب: "قال: إن امرؤ هلك وترك عمته وخالته، فللعممة الثلثان، وللخاله الثلث"

خبر ششم باب: "قال: إن في كتاب علي عليه السلام أن العممة بمنزلة الأب، والخاله بمنزلة الام، وبنات الأخ بمنزلة الأخ قال: وكل ذي رحم فهو بمنزلة الرحم الذي يجربه إلا أن يكون وارث أقرب إلى الميت منه فيحجبه".

خبر هفتم باب: "قال: كان علي عليه السلام يجعل العممة بمنزلة الأب والخاله بمنزلة الام، وابن الأخ بمنزلة الأخ قال: وكل ذي رحم لم يستحق له فريضة فهو على هذا النحو، قال: وكان علي عليه السلام يقول: إذا كان وارث ممن له فريضة فهو أحق بالمال".

خبر هشتم باب: "قال: كتبت إليه: رجل ترك عما وخالا، فأجاب: الثلثان للعم، والثلث للخال".

خبر نهم باب: "قال في عم وعممة قال: للعم الثلثان وللعممة الثلث الحديث".

حب واما اخبار را به ترتيب مذکور خواندیم و تا حدی مسئله برای ما روشن شد منتهی مسئله مهم این است که اگر اینها در یک طبقه و در یک درجه با هم جمع بشوند چگونه باید بین خودشان قسمت کنند؟ البته در هر جایی که ابوینی باشد ابی ارث نمی برد یعنی همیشه ابوینی بر ابی مقدم است، کلام امام رضوان الله علیه را

می خوانیم تا مطلب روشن شود، ایشان در تحریر الوسیله اینطور فرمودند: «المرتبة الثالثة: الأعمام و الأخوال، ولا يرث واحد منهم مع وجود واحد من الطبقة السابقة».

مسألة ۱: لو كان الوارث منحصراً بالعمومة من قبل الأب والأمّ أو من قبل الأب فالتركة لهم، و مع اختلاف الجنس: "لِلذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ" ^۱.

مسألة ۲: لو كان الوارث منحصراً بالعمومة من قبل الأمّ فالتركة لهم، ومع التعدّد واتّحاد الجنس يقسّم بالسوية، ومع الاختلاف لا يترك الاحتياط بالتصالح والتراضي ^۲.

در قران کریم کلاله اُمّی با کلاله ابوینی و ابی از نظر ارث بردن فرق دارند، درباره کلاله اُمّی گفته شده "شركاء في الثلث" ولی در مورد کلاله ابوینی و ابی گفته شده "لِلذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ" و حالا آیا در اینجا نیز ما باید همینجور قسمت کنیم یا نه بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۱ سوره نساء، آیه ۱۱.

^۲ تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۱۸، ط نشر آثار.